

عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه

ولی خدادادی *

سید علی واعظ **

علی رودبار شجاعی ***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۴

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از تارنماهای بانک جهانی، بنیاد استانداردهای بین المللی گزارش گری مالی، و دیگر منابع اطلاعاتی مرتبط با موضوع استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، تمام کشورهای درحال توسعه ای هستند که طبق دسته بندی بانک جهانی جزء کشورهای با درآمد سرانه ی پایین یا متوسط هستند. نمونه ی آماری پژوهش، شامل ۱۲۳ کشور بوده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که رشد اقتصادی تأثیر معکوس و معنادار و آموزش و وجود بازار سرمایه تأثیر مستقیم و معناداری بر پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه دارند. همچنین، براساس نتایج پژوهش، درجه ی

* دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

Email: vkhodadadi@scu.ac.ir

** استادیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

Email: sa.vaez@yahoo.com

*** دانشجوی دکترای حسابداری، گروه حسابداری، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

Email: shojaee_a@scu.ac.ir

باز بودن اقتصاد تأثیر معناداری در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای مورد بررسی از خود نشان نداده است.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی حسابداری، کشورهای در حال توسعه، رشد اقتصادی، آموزش، بازار سرمایه

۱- مقدمه

با بین‌المللی شدن روز افزون مبادلات اقتصادی و جهانی شدن مؤسسات تجاری و بازارهای سرمایه، سیستم‌های حسابداری ملی، نیازهای اطلاعاتی کاربرانی با گستره‌ی تصمیم‌های بین‌المللی را تأمین نمی‌کند. در سال‌های اخیر، مراجع تدوین مقررات حسابداری با آگاهی از این واقعیت و نیاز حسابداری به سازگاری با محیط جدید جهانی و خواسته‌های تازه‌ی تصمیم‌گیرندگان، هماهنگ‌سازی استانداردها و رویه‌های حسابداری بر مبنای یک مقیاس بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. هدف اصلی، داشتن مجموعه‌ای منسجم از استانداردها و رویه‌های حسابداری است که اطلاعاتی نسبتاً متجانس، قابل مقایسه و قابل اتکا برای تصمیم‌گیرندگان ملی و بین‌المللی فراهم کند (زقال و مدبی، ۲۰۰۶).

هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۲ برای رسیدن به این هدف، استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۳ و استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی^۴ را تدوین و منتشر کرده است که به مرجعی جهانی تبدیل شده‌اند.

عوامل محیطی نقش قابل توجهی در پذیرش استانداردهای حسابداری دارند. تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی میان کشورها منجر به سیستم‌های حسابداری متفاوت می‌شود (بیکر و باربو^۵، ۲۰۰۷). در صورت استفاده از استانداردهای یکپارچه حسابداری بدون توجه به شرایط محیطی یادشده، تهیه گزارش‌های قابل مقایسه میان واحدهای تجاری، صنایع و اقتصاد کشورهای مختلف امکان‌پذیر نیست و ممکن است کاربران مختلف (داخلی و خارجی) در کشورهای پذیرنده را با مشکلاتی جدی در تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی و تخصیص بهینه‌ی منابع روبرو سازد. به منظور بررسی زمینه‌های لازم برای توسعه‌ی به کارگیری و اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه، شناسایی و توجه به عوامل محیطی ضروری است. در بیشتر پژوهش‌های پیشین، تأثیر عوامل محیطی از قبیل عوامل

1 Zeghal and Mhedhbi

2 International Accounting Standards Board (IASB)

3 International Accounting Standards (IAS)

4 International Financial Reporting Standards (IFRS)

5 Baker and Barbu

اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای پیشرفته بررسی شده است. پژوهش‌های بسیار اندکی درباره‌ی فرایند پذیرش استانداردهای یاد شده در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است (واتی و کارلسون^۱، ۱۹۹۸ و داهوی و همکاران^۲، ۲۰۰۲). در این پژوهش، عوامل محیطی مؤثر بر پذیرش استانداردهای مزبور در کشورهای در حال توسعه بررسی خواهد شد و متغیرهای رشد اقتصادی، آموزش، درجه‌ی باز بودن اقتصاد، وجود بازار سرمایه مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند. این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا رابطه‌ای بین متغیرهای مزبور و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه وجود دارد؟

در ادامه، ساختار پژوهش به این صورت طراحی شده است که به ترتیب مبانی نظری پژوهش، پیشینه‌ی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش (شامل روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش گردآوری اطلاعات، جامعه و نمونه‌ی آماری، مدل آماری پژوهش، متغیرهای پژوهش)، یافته‌های پژوهش (شامل آمار توصیفی، آزمون فرضیه‌ها) بیان خواهد شد و پس از نتیجه‌گیری، پیشنهادات و محدودیت‌های پژوهش ارائه می‌شود.

۲- مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری حسابداری نشان می‌دهد عوامل محیطی بر حسابداری کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارند. الختانی^۳ (۲۰۱۰) و الساکا و ساوان^۴ (۲۰۱۳) با مرور ادبیات پیشین حسابداری و جمع بندی نظریات دیگر محققان، آموزش حسابداری، جایگاه حرفه‌ی حسابداری، فرهنگ، رشد و توسعه‌ی اقتصادی، وجود بازار سرمایه، قدرت‌های استعماری، سیستم قانونی، منابع تأمین مالی داخلی (نظیر بانک‌ها، دولت و خانواده) و یا خارجی (مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سهام داران خارجی)، مؤسسه‌های بین‌المللی حسابداری و شرکت‌های چند ملیتی را به عنوان عوامل مؤثر بر سیستم‌های حسابداری در کشورهای در حال توسعه برشمرده‌اند.

هرگونه تغییر مهمی در عوامل یادشده در یک کشور خاص، بر مقررات و رویه‌های حسابداری آن تأثیر خواهد گذاشت. به عنوان مثال، تصمیم‌گیری در باره‌ی توسعه‌ی بازار سهام و جذب

1 Watty and Carlson

2 Dahawy et al

3 Alkhtani

4 Alsaqqa and Sawan

سرمایه‌گذاری خارجی، موجب تجدید ساختار سیستم حسابداری و انگیزه‌ای قوی برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری خواهد شد.

معمولاً گنجاندن تمام عوامل یادشده در پژوهش به دلایل مختلفی نظیر تعداد زیاد متغیرها و مشکلات تعیین آن‌ها، مشکل رسیدن از تعریف مفهومی به تعریف عملیاتی متغیرها و مشکل اندازه‌گیری متغیرها، امکان پذیر نیست. افزون بر این، در برخی موارد نیز مشکل زیادی برای پیدا کردن اطلاعات وجود دارد (زقال و مدبی، ۲۰۰۶). به همین دلایل در این پژوهش برخی عوامل محیطی مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری به شرح زیر بررسی شده‌اند. دلیل این انتخاب، اهمیت بسیار استراتژیک آن‌ها در تصمیم‌گیری مزبور، قابلیت اندازه‌گیری متغیرها و در دسترس بودن اطلاعات بوده است.

۲-۱- رشد اقتصادی

یک سیستم پیشرفته‌ی اقتصادی نیازمند چنان ساختار حسابداری است که اطلاعاتی مربوط در باره‌ی بهره‌وری و کارایی بخش‌های مختلف ارائه دهد. مشخص است که سیستم‌های گسترده‌تر حسابداری در کشورهایی وجود دارد که از نظر اقتصادی پیشرفته‌تر هستند (ساوانی^۱، ۲۰۰۹). شواهدی مبنی بر اثر مثبت میزان رشد اقتصادی کشور بر پیشرفت سیستم‌ها و رویه‌های حسابداری آن وجود دارد. همانطور که اقتصاد یک کشور رشد می‌کند، نیاز به سیستم پیشرفته‌ی حسابداری بیشتر می‌شود و چنین کشورهایی را به پذیرش استانداردهای بین‌المللی تشویق می‌کند (گیاسی^۲، ۲۰۱۰).

۲-۲- آموزش

عمادزاده (۱۳۸۴) آموزش را به عنوان فرایندی تلقی می‌کند که در جریان آن اطلاعات، دانش، معرفت علمی، مهارت و شیوه‌های رفتاری صحیح به افراد منتقل می‌شود. پذیرش استانداردهای بین‌المللی تصمیمی بسیار استراتژیک و حیاتی است و مستلزم سطح بالایی از آموزش، صلاحیت و تخصص برای درک، تفسیر و کاربرد استانداردهای یادشده است (داپنیک و سالترا^۳، ۱۹۹۵ و چوی و میک^۴، ۲۰۰۸). در کشورهایی که میزان آموزش عمومی بالا باشد، گروه‌های مختلف تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و کاربران گزارش‌های مالی به پذیرش و استفاده از استانداردهای

1 Sawani

2 Gyasi

3 Doupnik and Salter

4 Choi and Meek

حسابداری بین‌المللی که منجر به ارائه اطلاعات شفاف و قابل مقایسه در گزارش‌های مالی می‌شود، تمایل و اشتیاق دارند (شیما و یانگ^۱، ۲۰۱۲).

۲-۳- درجه‌ی باز بودن اقتصاد

اقتصادی که به طور جداگانه وظایف خود را انجام می‌دهد و با اقتصادهای دیگر ارتباط نداشته باشد، یک اقتصاد بسته خوانده می‌شود. اما اقتصادی که با دیگر اقتصادها ارتباط متقابل داشته باشد، یک اقتصاد باز نامیده می‌شود (تفضلی، ۱۳۸۵).

هرچه اقتصاد کشوری به دنیای خارج بازتر باشد، بیشتر تحت تأثیر نیروهای گوناگون بین‌المللی است. این نیروها می‌توانند برخی کشورهای در حال توسعه را به پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری رهنمون سازند (کوک و والاس^۲، ۱۹۹۰).

سرمایه‌گذاران خارجی، شرکت‌های چندملیتی، مؤسسات بین‌المللی حسابداری و نهادهای مالی جهانی، نیروهای اصلی مؤثر بر توسعه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری هستند (زقال و مدبی، ۲۰۰۶).

کشورهای در حال توسعه‌ای که درجه‌ی باز بودن اقتصاد آن‌ها بیشتر است، پذیرش استانداردهای بین‌المللی را بیشتر از کشورهای که دارای این ویژگی نیستند، مورد توجه قرار می‌دهند. ممکن است، دلیل این موضوع نیاز کشورهای یادشده به راضی کردن یا تحت تأثیر قرار دادن کشورهای پیشرفته باشد که اهمیت زیاد تری به بخش خصوصی می‌دهند و هدف آن‌ها حداکثر کردن ثروت سهام داران است. (الختانی، ۲۰۱۰).

۲-۴- وجود بازار سرمایه

در کشورهایی که بازار سرمایه وجود دارد، مراجع تدوین استانداردها به برقراری سیستم‌های حسابداری پیشرفته برای تضمین تولید و افشای اطلاعات مالی باکیفیت و سودمند برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران، تمایل دارند (آدهی کاری و تندکار^۳، ۱۹۹۲ و الختانی، ۲۰۱۰). وجود بازارهای سرمایه در کشورهای در حال توسعه، یکی از عوامل محرک کشورهای مزبور در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری است (الشماری و همکاران^۴، ۲۰۰۸).

1 Shima and Yang

2 Cooke and Wallace

3 Adhikari and Tondkar

4 Al-Shommari et al

ساختار بازارهای سرمایه بر ماهیت استانداردهای حسابداری در کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارد (ساوانی، ۲۰۰۹). رشد بازارهای سرمایه در کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها را به پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری تشویق می‌کند؛ زیرا انتظار دارند که پذیرش استانداردهای مزبور، تقاضای سرمایه‌گذاران محلی و بین‌المللی را برای گزارش‌گری مالی مشروح‌تر و قابل‌مقایسه‌تر تأمین کند (شریف، ۲۰۱۰).

۳- پیشینه‌ی پژوهش

نتایج پژوهش زهری و چعبی^۲ (۲۰۱۳) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۷۴ کشور در حال توسعه نشان داد که رشد اقتصادی، سطح آموزش و سیستم قانونی تأثیر معنی‌داری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری توسط کشورهای در حال توسعه دارند. اما، عواملی مانند فرهنگ، وجود بازار سرمایه و سیستم سیاسی تأثیر معنی‌داری بر پذیرش استانداردهای مزبور ندارند. افزون بر این، درجه‌ی باز بودن اقتصاد یک کشور به دنیای خارج رابطه‌ی منفی و معنی‌داری با پذیرش استانداردهای بین‌المللی دارد.

نتایج پژوهش شیما و یانگ^۲ (۲۰۱۲) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۷۳ کشور نشان داد پیوندهای سیاسی، پیوندهای اجتماعی و اقتصادی، اتکا به تأمین مالی از طریق منابع بدهی خارجی، نرخ رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه ناخالص، سیستم قانونی، آموزش و اجتناب از عدم اطمینان رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند. هم-چنین، نتایج نشان دهنده‌ی این است که مالیات، تورم و تأمین مالی از طریق سهام رابطه‌ی منفی و معنی‌داری با پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند.

نتایج پژوهش لاسمین^۳ (۲۰۱۱) با استفاده از نمونه‌ای شامل ۴۶ کشور در حال توسعه نشان داد کمک خارجی، بازارهای سرمایه و سطح آموزش، عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی با اهمیتی برای پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه هستند.

نتایج پژوهش شریف (۲۰۱۰) در کشور عراق نشان داد متغیرهای بازار سرمایه، سطح آموزش، مراجع حرفه‌ای و اندازه‌ی شرکت‌ها رابطه‌ی معنی‌داری با پذیرش استانداردهای بین-المللی حسابداری دارند.

الختانی (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان داد که عوامل متعدد فرهنگی نظیر دین، زبان، غرور ملی و آموزش حسابداری بر تصمیم‌گیری در باره‌ی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری

1 Sharif

2 Zahri and Chouaibi

3 Lasmin

مالی در عربستان سعودی تأثیر می‌گذارند.

آرچامبالت، جفری و آرچامبالت، مری^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۲۰ کشور نشان دادند میزان آموزش، نیاز به سرمایه‌گذاری و نسبت واردات به صادرات رابطه‌ی معنی‌داری با پذیرش استانداردهای بین‌المللی دارند؛ اما، به نظر نمی‌رسد که سیستم سیاسی، میزان بالاتر نرخ تورم، وجود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس‌های خارجی و وابستگی به کمک‌های خارجی عوامل مهمی در تصمیم یک کشور به پذیرش استانداردهای مزبور باشند. رامانا و اسلتن^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود با استفاده از نمونه‌ای شامل ۱۰۲ کشور به این نتیجه رسیدند که بیشتر کشورهای قدرتمند تمایل کمتری به پذیرش استانداردهای بین‌المللی دارند؛ زیرا آن‌ها علاقه‌ای به واگذار کردن اختیار استانداردگذاری به یک مرجع بین‌المللی ندارند. هم‌چنین، نتایج این پژوهش نشان داد کشوری که شرکای تجاری یا کشورهای درون منطقه جغرافیایی آن پذیرنده‌ی استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی هستند، تمایل بیشتری به پذیرش استانداردهای بین‌المللی دارند.

زقال و مدبی (۲۰۰۶) در پژوهشی با استفاده از نمونه‌ای شامل ۶۴ کشور در حال توسعه، به این نتیجه دست یافتند که کشورهای در حال توسعه‌ی با سطح آموزش بالا، دارای ویژگی‌های مشترک فرهنگی (زبان انگلیسی) و بازار سرمایه تمایل بیشتری به پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند. اما پژوهش آنان نشان داد اگرچه رشد اقتصادی و درجه‌ی باز بودن اقتصاد رابطه‌ی مثبتی با پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند؛ ولی رابطه‌ی مزبور از نظر آماری معنی‌دار نیست.

هاپ و همکاران^۳ (۲۰۰۶) در پژوهش خود با استفاده از نمونه‌ای شامل ۳۸ کشور به این نتیجه رسیدند که کشورهای دارای سازوکارهای ضعیف‌تر حمایت از سرمایه‌گذار، تمایل بیشتری به پذیرش استانداردهای بین‌المللی دارند. هم‌چنین، پژوهش آنان نشان داد کشورهایی که امکان دسترسی بیشتر سرمایه‌گذاران بین‌المللی را به بازارهای سرمایه داخلی خود فراهم می‌کنند، تمایل بیشتری به پذیرش استانداردهای یادشده دارند.

چامیسا^۴ (۲۰۰۰) مفید بودن استانداردهای بین‌المللی را در کشور زیمبابوه بررسی کرد و به این نتیجه رسید که استانداردهای مزبور برای کشورهای در حال توسعه‌ی دارای بخش خصوصی غالب و بازار سرمایه، مناسب است؛ اما برای کشورهای در حال توسعه‌ی دارای بخش عمومی غالب

1 Archambault Jeffrey and Archambault Marie

2 Ramanna and Sletten

3 Hope et al

4 Chamisa

و فاقد بازار سرمایه، مفید نیست.

نتایج پژوهش میرو رحمان^۱ (۲۰۰۵) نشان داد که به دلیل فشارهای اعمال شده توسط نهادهای مهم بین‌المللی اهداکننده‌ی کمک‌های مالی و یا وام‌دهنده بر دولت و مراجع حرفه‌ای حسابداری بنگلادش، مشروعیت نهادی^۲ مهم‌ترین عامل مؤثر بر تصمیم به پذیرش استانداردهای بین‌المللی بوده است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

برای دستیابی به هدف‌های پژوهش، با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش، فرضیه‌های زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه‌ی اول: بین رشد اقتصادی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: بین آموزش و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی سوم: بین درجه‌ی باز بودن اقتصاد و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌ی چهارم: بین وجود بازار سرمایه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

۵- روش پژوهش

در این بخش از پژوهش، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش‌های گردآوری اطلاعات، جامعه و نمونه‌ی آماری، مدل آماری و متغیرهای پژوهش بیان می‌شود.

۵-۱- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، روش آماری تحلیل رگرسیون لجستیک انجام شده است. فرضیه‌های اول تا سوم با استفاده از آزمون تی و فرضیه چهارم با استفاده از آزمون کای اسکوئر و از طریق آزمون فی بررسی شده‌اند.

۵-۲- روش‌های گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات در دو مرحله انجام شده است. در مرحله‌ی اول برای تدوین

1 Mir and Rahaman

2 Institutional Legitimization

مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای (و مراجعه به کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های ارائه شده به پایگاه‌های اطلاعاتی جهانی و مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران) و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از تارنماهای بانک جهانی^۱ و بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی^۲ و دلویت توشه توماتسو^۳ و دیگر منابع اطلاعاتی مرتبط با موضوع، استفاده شده است.

۵-۳- جامعه آماری

جامعه این پژوهش، تمام کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که طبق دسته‌بندی بانک جهانی در سال ۲۰۱۳ میلادی جزء کشورهای با درآمد سرانه‌ی پایین یا متوسط (۱۱۹۰۵ دلار و کمتر) باشند. برای تعیین نمونه‌ی آماری با استفاده از روش حذف سیستماتیک، کشورهایی که داده‌های مورد نیاز پژوهش در باره‌ی آن‌ها در دسترس نبوده، حذف شده‌اند و بقیه کشورها به عنوان نمونه‌ی آماری در نظر گرفته شده است. با توجه به محدودیت مزبور، تعداد کشورهای مورد بررسی ۱۲۳ کشور (شامل ۷۷ کشور پذیرنده‌ی استانداردها و ۴۶ کشور که استانداردها را نپذیرفته‌اند) بوده است.

۵-۴- مدل آماری پژوهش

هدف این تجزیه و تحلیل بررسی اثر متغیرهای مورد مطالعه بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی و تعیین معنی دار بودن این ارتباط است. با توجه به اینکه متغیر وابسته، متغیری دو ارزشی است که ارزش‌های یک یا صفر را می‌گیرد، مدل تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک زیر مورد استفاده قرار گرفته است.

در رگرسیون لجستیک از مفهوم بخت استفاده می‌شود. بخت عبارت از نسبت احتمال وقوع یک حادثه بر احتمال عدم وقوع آن حادثه می‌باشد. احتمال بین ۰ و ۱ تغییر می‌کند ولی بخت ممکن است بیش از ۱ باشد. واژه کلیدی در تحلیل رگرسیون لجستیک، سازه‌ای به نام لوجیت است که لگاریتم طبیعی بخت می‌باشد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۱).

$$\ln[(P_i / 1 - P_i)] = \beta_0 + \beta_1 ECO + \beta_2 EDUC + \beta_3 FDI + \beta_4 ECM + \varepsilon$$

در این مدل:

P_i احتمال پذیرش استانداردهای بین‌المللی است؛ ECO_i نرخ رشد تولید ناخالص داخلی است؛

1 World Bank

2 IFRS Foundation

3 Deloitte Touche Tohmatsu

EDUCi نرخ آموزش عمومی در کشور است؛ FDIi نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی است؛ ECMi وجود بازار سرمایه است؛ ε جمله‌ی اختلال است.

۵-۵- متغیرهای پژوهش

در این تحقیق تعریف عملیاتی متغیرها به شرح زیر است:

متغیر وابسته: وضعیت کشورها از لحاظ پذیرش یا عدم پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری است. اگر کشوری استانداردها را پذیرفته باشد، ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

متغیرهای مستقل: در این پژوهش متغیرهای زیر به عنوان متغیرهای مستقل مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

رشد اقتصادی: در این پژوهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت که توسط بانک جهانی اعلام شده است (همانند شیما و یانگ، ۲۰۱۲)، به عنوان معیار سنجش رشد اقتصادی کشورها در نظر گرفته شده است.

آموزش: در این پژوهش معیار استفاده شده برای متغیر آموزش، نرخ آموزش عمومی کشور مورد نظر است که توسط لارسن (۱۹۹۳)، زقال و مدبی (۲۰۰۶) و شیما و یانگ (۲۰۱۲) به کار گرفته شده است.

درجه‌ی باز بودن اقتصاد: در این پژوهش، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی به عنوان معیار درجه‌ی باز بودن اقتصاد در نظر گرفته شده است (همانند زقال و مدبی، ۲۰۰۶ و زهری و چعیبی، ۲۰۱۳).

وجود بازار سرمایه: وضعیت کشورها از نظر دارا بودن یا دارا نبودن بازار سرمایه است. اگر کشوری دارای بازار سرمایه باشد، ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

۶- یافته‌های پژوهش

در این بخش تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است. ابتدا، اطلاعات مربوط به یافته‌های توصیفی نظیر میانگین، میان، انحراف معیار، خطای معیار، کمینه و بیشینه‌ی متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است.

سپس، نتایج مربوط به آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون t (فرضیه‌های اول تا سوم) و آزمون کای اسکوئر از طریق آزمون فی (فرضیه‌ی چهارم) و همچنین مدل رگرسیون لجستیک (چون متغیر وابسته پژوهش حاضر تنها شامل مقادیر صفر و یک است) بیان شده است.

۶-۱- آماره های توصیفی

جدول شماره‌ی (۱) آماره های توصیفی متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. دامنه‌ی مقادیر نرخ رشد اقتصادی بین ۹/۵۲۸۵- تا ۱۳/۵۵۰۱، نرخ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (به عنوان شاخص درجه‌ی باز بودن اقتصاد) بین ۵/۶۷۰۷۷۰- تا ۳۴/۹۹۲۱۵۰ و نرخ آموزش بین ۲۵/۳۰۷۷ تا ۹۹/۸۳۰۹ در نوسان بوده است.

جدول ۱: آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

| متغیرها | میاتکین | میانه | کمینه | بیشینه | انحراف معیار | خطای معیار |
|-----------------------|---------|---------|---------|---------|--------------|------------|
| رشد اقتصادی | ۴/۹۸۰۱۰ | ۵/۰۸۳۱ | -۹/۵۲۸۵ | ۱۳/۵۵۰۱ | ۳/۵۹۱۲ | ۰/۳۲۳۸ |
| آموزش | ۸۰/۴۵۵۴ | ۸۰/۴۵۵۴ | ۲۵/۳۰۷۷ | ۹۹/۸۳۰۹ | ۱۵/۵۶۷۳ | ۱/۴۰۳۶ |
| درجه‌ی بازبودن اقتصاد | ۴/۸۵۰۴ | ۳/۰۵۲۱ | -۵/۶۷۰۷ | ۳۴/۹۹۲۱ | ۵/۸۶۴۷ | ۰/۵۲۸۸ |

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۲- تجزیه و تحلیل استنباطی فرضیه‌های پژوهش

در این قسمت، تحلیل استنباطی فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌گردد.

۶-۲-۱- آزمون فرضیه‌ی اول پژوهش

جدول شماره‌ی (۲) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول (رابطه‌ی بین رشد اقتصادی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی) را نشان می‌دهد. چون سطح معناداری آماره‌ی F آزمون لوین (۰/۵۵۳) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، فرض برابری واریانس‌ها در این آزمون پذیرفته شده و آزمون t انجام شده بر اساس این فرض (سطر اول جدول) مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به این که سطح معناداری آماره‌ی t ارائه شده در جدول مزبور (۰/۰۲۳) کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=۰/۰۵$) است، فرضیه‌ی صفر با اطمینان حداقل ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین، فرضیه‌ی اول پژوهش پذیرفته می‌شود. این موضوع نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معنادار بین رشد اقتصادی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه است.

جدول ۲ نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

| آزمون t برای برابری میانگین‌ها | | | | | | آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها | متغیر |
|---|-------------|---------------|---------------------|-----------------|-------|---|-------|
| فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین‌ها | | خطای معیار | تفاوت میانگین‌ها | سطح معناداری | T | سطح معناداری | F |
| حد بالا | حد پایین | | | | | | |
| ۲/۸۲۱۲ | ۰/۲۱۷۳ | ۰/۶۵۷۶ | ۱/۵۱۹۳ | ۰/۰۲۳ | ۲/۳۱۰ | ۰/۵۵۳ | ۰/۳۵۴ |
| ۲/۷۷۸۳ | ۰/۲۶۰۳ | ۰/۶۳۴۹ | ۱/۵۱۹۳ | ۰/۰۱۸ | ۲/۳۹۳ | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۲-۲- آزمون فرضیه‌ی دوم پژوهش

جدول شماره‌ی (۳) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی دوم (رابطه‌ی بین آموزش و پذیرش استانداردهای بین‌المللی) را نشان می‌دهد. چون سطح معناداری آماره‌ی F آزمون لوین (۰/۰۱۸) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، فرض برابری واریانس‌ها رد و آزمون t انجام شده بر اساس فرض عدم برابری واریانس‌ها (سطر دوم جدول) مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۳: نتایج آزمون فرضیه‌ی دوم

| آزمون t برای برابری میانگین‌ها | | | | | | آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها | متغیر |
|--|-------------|---------------|---------------------|-----------------|------|---|-------|
| فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین‌ها | | خطای معیار | تفاوت میانگین‌ها | سطح معناداری | t | سطح معناداری | F |
| حد بالا | حد پایین | | | | | | |
| ۳/۰۴۳ | ۱۴/۱۵۴ | ۲/۸۰۶۰ | ۸/۵۹۸۸ | ۰/۰۰۳ | ۳/۰۶ | ۰/۰۱۸ | ۵/۷۵۰ |
| ۲/۵۲۰ | ۱۴/۶۷۶ | ۳/۰۴۹۲ | ۸/۵۹۸۸ | ۰/۰۰۶ | ۲/۸۲ | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به این که سطح معناداری آماره‌ی t ارائه شده در جدول مزبور (۰/۰۰۶) کمتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است، فرضیه‌ی صفر با اطمینان حداقل ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین، فرضیه‌ی دوم پژوهش تأیید می‌شود. این موضوع نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ی معنادار بین آموزش و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه است.

۶-۲-۳- آزمون فرضیه‌ی سوم پژوهش

جدول شماره‌ی (۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی سوم (رابطه‌ی بین درجه‌ی باز بودن اقتصاد و پذیرش استانداردهای بین‌المللی) را نشان می‌دهد. چون سطح معناداری آماره‌ی F آزمون لوین (۰/۱۰۳) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، فرض برابری واریانس‌ها در این آزمون پذیرفته شده و آزمون t انجام شده بر اساس این فرضیه (سطر اول جدول) مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به این که سطح معناداری آماره‌ی t ارائه شده در جدول مزبور (۰/۹۶۰) بیشتر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است، فرضیه‌ی صفر با اطمینان حداقل ۹۵ درصد تأیید می‌شود. بنابراین، فرضیه‌ی سوم پژوهش رد می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که بین درجه‌ی باز بودن اقتصاد و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

جدول ۴: نتایج آزمون فرضیه‌ی سوم

| آزمون t برای برابری میانگین‌ها | | | | | | آزمون لوین برای برابری واریانس‌ها | متغیر |
|--|---------------|---------------------|-----------------|-------|-----------------|---|--|
| فاصله‌ی اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین‌ها | خطای معیار | تفاوت میانگین‌ها | سطح معناداری | T | سطح معناداری | F | درجه‌ی باز بودن اقتصاد فرض برابری واریانس‌ها فرض نابرابری واریانس‌ها |
| | | | | | | | |
| ۲/۱۱۸۰ | -۲/۲۲۷۰ | ۱/۰۹۷۳ | -۰/۰۵۴۵ | ۰/۹۶۰ | -۰/۰۵ | ۰/۱۰۳ | ۲/۶۹۴ |
| ۲/۳۷۲۴ | -۲/۴۸۱۵ | ۱/۲۱۶۳ | -۰/۰۵۴۵ | ۰/۹۶۴ | -۰/۰۴ | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

۶-۲-۴- آزمون فرضیه‌ی چهارم پژوهش

جدول شماره‌ی (۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی چهارم (وجود بازار سرمایه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی) را نشان می‌دهد. چون سطح معناداری آماره‌ی kay اسکوتر ارائه شده

در جدول مزبور (۰/۰۰۰) کوچک‌تر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است، فرضیه‌ی صفر با اطمینان حداقل ۹۵ درصد رد می‌شود. بنابراین، فرضیه‌ی چهارم پژوهش پذیرفته می‌شود. این موضوع نشان دهنده‌ی رابطه‌ی معنادار بین وجود بازار سرمایه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه است. هم‌چنین، با توجه به ضریب فی (۰/۴۲۴) و سطح معناداری آن (۰/۰۰۰) ارائه شده در جدول شماره‌ی (۶) رابطه‌ی دو متغیر اسمی یاد شده متوسط و معنادار است.

جدول ۵: نتایج آزمون کای اسکوئر برای فرضیه‌ی چهارم

| سطح معناداری | ارزش | |
|--------------|--------|--------------------|
| ۰/۰۰۰ | ۲۲/۱۰۹ | Pearson Chi-Square |
| ۰/۰۰۰ | ۲۱/۸۷۹ | Likelihood Ratio |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۶: نتایج آزمون فی برای فرضیه‌ی چهارم

| تعداد مشاهدات | سطح معناداری | ارزش | اسمی-اسمی ضریب فی |
|---------------|--------------|-------|-------------------|
| ۱۲۳ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۴ | |

منبع: یافته‌های پژوهش

۷- آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک

با توجه به اینکه متغیر وابسته‌ی پژوهش حاضر تنها شامل مقادیر صفر و یک است، برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بنابراین، در الگوی آزمون فرضیه‌های پژوهش، پذیرش یا عدم پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری تابعی از رشد اقتصادی، آموزش، درجه‌ی باز بودن اقتصاد و بازار سرمایه است. برای آزمون معنادار بودن و قدرت تبیین مدل از آماره‌ی کای اسکوئر استفاده شده است. برآورد اندازه و سطح معناداری ضرایب متغیرهای مستقل و نوع و شدت ارتباط این متغیرها با متغیر وابسته از طریق آزمون والد انجام شده است.

۷-۱- آزمون معنادار بودن و قدرت تبیین مدل

نتایج ارائه شده در جدول شماره‌ی (۷) نشان می‌دهد که در مدل ۷۳/۲ درصد از مشاهدات مربوط به متغیر وابسته‌ی پژوهش به درستی طبقه بندی شده اند.

ضریب تعیین به دست آمده برای الگوی آزمون فرضیه‌های پژوهش ۰/۲۸۹ است. بنابراین، مدل برازش شده توانسته است ۲۸/۹ درصد از متغیر وابسته را از طریق تغییرات متغیرهای

مستقل تبیین کند. سطح معناداری آماره‌ی کای اسکوتر برای مدل $0/000$ است که کوچک‌تر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) است. لذا، مدل برازش شده، به لحاظ آماره‌ی معنادار و در مجموع روابط بین متغیرهای پژوهش، خطی است.

جدول ۷: نتایج آزمون معناداری و قدرت تبیین مدل رگرسیون لجستیک

| درصد پیش بینی درست مدل | ضریب تعیین تکلوک (R ²) | آماره‌ی کای اسکوتر | سطح معناداری |
|------------------------|------------------------------------|--------------------|--------------|
| ۷۳/۲٪ | ۰/۲۸۹ | ۲۹/۳۴۶ | ۰/۰۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

۷-۲- آزمون معنادار بودن و تفسیر ضرایب متغیرهای مستقل

مقدار به دست آمده برای هر یک از ضرایب، تغییر در لگاریتم نسبت شانس به ازای یک واحد تغییر در متغیر مستقل را (در صورت ثابت بودن مقدار سایر متغیرها) نشان می‌دهد. مقدار محاسبه شده برای نسبت شانس هر یک از متغیرها نیز اثر یک واحد تغییر در متغیر مستقل را بر نسبت شانس (در صورت ثابت بودن سایر شرایط) نشان می‌دهد. همان طور که در جدول شماره‌ی (۸) مشاهده می‌شود، سطح معناداری متغیرهای مستقل رشد اقتصادی ($0/045$)، آموزش ($0/002$) و وجود بازار سرمایه ($0/000$) کوچک‌تر از سطح خطای آزمون ($\alpha=0/05$) و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار هستند. از سوی دیگر، سطح معناداری متغیر مستقل درجه‌ی باز بودن اقتصاد ($0/544$) بزرگ‌تر از سطح خطای آزمون است و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. تفسیر هر یک از ضرایب به ترتیب زیر است:

۷-۲-۱- رشد اقتصادی

ضریب این متغیر در مدل $0/136-$ است. یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با افزایش یک واحد در این متغیر، لگاریتم نسبت شانس (لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری) به‌طور متوسط $0/136$ واحد کاهش می‌یابد. به بیان دیگر، با افزایش یک واحد در این متغیر، نسبت شانس (احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری) $0/873$ برابر می‌شود و $12/7$ درصد کاهش می‌یابد. بنابراین، رشد اقتصادی تأثیر معکوس و معناداری بر پذیرش استانداردهای مزبور دارد.

۷-۲-۲- آموزش

ضریب متغیر مستقل آموزش در مدل $0/124$ است. یعنی در صورت ثابت بودن سایر شرایط، با هر واحد افزایش در این متغیر، لگاریتم نسبت شانس (لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش استانداردهای بین المللی حسابداری) به‌طور متوسط $0/124$ واحد افزایش می‌یابد. به بیان

دیگر، با افزایش یک واحد در این متغیر، احتمال پذیرش ۱/۱۳۲ برابر احتمال عدم پذیرش استانداردها می‌شود و ۱۳/۲ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین، متغیر آموزش دارای تأثیر مستقیم و معناداری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری است.

۷-۲-۳- درجه‌ی باز بودن اقتصاد

این متغیر تأثیر معناداری در پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای مورد بررسی، از خود نشان نداده‌است. نتیجه‌ی یاد شده شاید به این دلیل باشد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و یا پذیرفته شدن در بورس‌های خارجی، انتخابی است که توسط شرکت‌ها و نه کشورها انجام می‌شود. این متغیر ممکن است در هنگام انتخاب یک شرکت از بین استانداردها مهم باشد؛ اما این پژوهش بر انتخاب استانداردها در سطح کشوری تمرکز کرده است.

۷-۲-۴- وجود بازار سرمایه

ضریب این متغیر در مدل ۰/۷۹۷ است. یعنی لگاریتم نسبت شانس (لگاریتم احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری) در کشورهایی که دارای بازار سرمایه هستند، ۰/۷۹۷ بیشتر از سایر کشورهاست.

به بیان دیگر، احتمال پذیرش به احتمال عدم پذیرش استانداردها توسط کشورهای مزبور ۲/۲۱۸ برابر دیگر کشورها و ۱۲۱/۸ درصد بیشتر از بقیه‌ی کشورها است. بنابراین، متغیر وجود بازار سرمایه تأثیر مستقیم و معناداری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارد.

جدول ۸: نتایج آزمون برآورد اندازه و سطح معناداری ضرایب متغیرهای مستقل

| متغیرها | درجه آزادی | اندازه‌ی ضرایب | انحراف معیار ضرایب | آماره‌ی والد | سطح معناداری | نسبت شانس |
|------------------------|------------|----------------|--------------------|--------------|--------------|-----------|
| رشد اقتصادی | ۱ | -۰/۱۳۶ | ۰/۰۶۸ | ۴/۰۰۵ | ۰/۰۴۵ | ۰/۸۷۳ |
| آموزش | ۱ | ۰/۱۲۴ | ۰/۰۵۲ | ۵/۶۷۹ | ۰/۰۰۲ | ۱/۱۳۲ |
| درجه‌ی باز بودن اقتصاد | ۱ | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۳۷ | ۰/۳۶۹ | ۰/۵۴۴ | ۱/۰۲۳ |
| وجود بازار سرمایه | ۱ | ۰/۷۹۷ | ۰/۴۴۷ | ۳/۱۷۹ | ۰/۰۰۰ | ۲/۲۱۸ |
| مقدار ثابت | ۱ | -۲/۰۹۱ | ۱/۲۴۹ | ۲/۸۰۳ | ۰/۰۹۴ | ۰/۱۲۴ |

منبع: یافته‌های پژوهش

۸- نتیجه‌گیری

۸-۱- نتایج بررسی فرضیه‌ی اول

نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که بین رشد اقتصادی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین، شواهدی مبنی بر رد فرضیه‌ی اول پژوهش وجود ندارد. این موضوع نشان دهنده‌ی آن است که احتمال پذیرش استانداردهای مزبور توسط کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای رشد اقتصادی پایین‌تری هستند، بیشتر از دیگر کشورهاست. این نتیجه، با نتیجه‌ی پژوهش‌های زقال و مدبی (۲۰۰۶) و شیما و یانگ (۲۰۱۲) تفاوت دارد.

۸-۲- نتایج بررسی فرضیه‌ی دوم

نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که بین آموزش و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، شواهدی مبنی بر رد فرضیه‌ی دوم پژوهش وجود ندارد. این موضوع نشان می‌دهد که احتمال پذیرش استانداردهای مزبور توسط کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای سطح آموزش بالاتری هستند، بیشتر از دیگر کشورهاست. این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های زقال و مدبی (۲۰۰۶)، آرچامبالت و آرچامبالت (۲۰۰۹)، شریف (۲۰۱۰)، لاسمین (۲۰۱۱)، شیما و یانگ (۲۰۱۲) و زهری و چعیبی (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

۸-۳- نتایج بررسی فرضیه‌ی سوم

نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که بین درجه‌ی باز بودن اقتصاد و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. بنابراین، فرضیه‌ی سوم پژوهش رد شد. این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های زقال و مدبی (۲۰۰۶) و زهری و چعیبی (۲۰۱۳) تفاوت دارد.

۸-۴- نتایج بررسی فرضیه‌ی چهارم

نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که بین وجود بازار سرمایه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال توسعه، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، شواهدی مبنی بر رد فرضیه‌ی چهارم پژوهش وجود ندارد. این موضوع نشان دهنده‌ی آن است که احتمال پذیرش استانداردهای مزبور توسط کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای بازار سرمایه هستند، بیشتر از دیگر کشورهاست. این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های زقال و مدبی (۲۰۰۶)، شریف

(۲۰۱۰) و لاسمین (۲۰۱۱) مطابقت دارد؛ اما با نتیجه‌ی پژوهش زهری و چعیبی (۲۰۱۳) تفاوت دارد.

۹- پیشنهادهای پژوهش

۹-۱- پیشنهادهای کاربردی

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ی اول، نشان می‌دهد بین نرخ رشد اقتصادی و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه، رابطه‌ی معکوسی وجود دارد. یعنی کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای نرخ رشد اقتصادی پایین‌تری هستند، تمایل بیشتری به پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند. چون به نظر می‌رسد این موضوع به دلیل انتظار کشورهای مزبور از برخورداری از مزایای احتمالی پذیرش استانداردها از قبیل ورود سرمایه به کشور و بهبود وضعیت نظام اقتصادی صورت می‌گیرد، پیشنهاد می‌شود کشورهای یاد شده، افزون بر مزایا، معایب و موانع پذیرش استانداردهای مزبور را نیز مورد توجه و بررسی قرار دهند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های دوم و چهارم، نشان دهنده وجود رابطه مستقیم بین آموزش، وجود بازار سرمایه و پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه است. یعنی، کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای سطح آموزش بالاتر و بازار سرمایه هستند، تمایل بیشتری به پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند. لذا، پیشنهاد می‌شود کشورهای مزبور در هنگام تصمیم‌گیری درباره‌ی پذیرش یا عدم پذیرش استانداردهای یاد شده، بالا بودن سطح آموزش و وجود بازار سرمایه را به عنوان برخی پیش‌نیازهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری مورد توجه قرار دهند.

۹-۲- پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

در این پژوهش تأثیر رشد اقتصادی، آموزش، درجه‌ی باز بودن اقتصاد، وجود بازار سرمایه بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای در حال توسعه بررسی شده است. پیشنهاد می‌شود تأثیر عوامل مزبور بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی در کشورهایی که دارای مشابهت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خاصی هستند و یا درون منطقه‌ی جغرافیایی مشخصی قرار دارند (به عنوان مثال کشورهای عضو اوپک، کشورهای اسلامی و کشورهای آسیایی) مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش تأثیر برخی عوامل محیطی بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی بررسی شده است. پیشنهاد می‌شود تأثیر پذیرش استانداردهای بین‌المللی بر کیفیت گزارش‌گری مالی، رشد اقتصادی، آموزش، درجه‌ی باز بودن اقتصاد، بازار سرمایه و سایر عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه بررسی شود.

۱۰- محدودیت‌های پژوهش

اگر چه معتقدیم که این پژوهش به اهداف خود دست یافته است و سؤال‌های پژوهش پاسخ داده شده‌اند، اما لازم است که نتایج آن با در نظر گرفتن برخی محدودیت‌ها تفسیر شود. محدودیت اصلی این پژوهش، محدود بودن متغیرهای مورد مطالعه به تعدادی متغیر خاص است. دومین محدودیت، در نظر نگرفتن متغیرهای کنترلی از قبیل پیوندهای اقتصادی، پیوندهای سیاسی و اجتماعی، سیستم قانونی و نوع نظام حکومتی در پژوهش بوده است.

منابع

- ۱- تفضلی، فریدون (۱۳۸۵): **اقتصاد کلان: نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، تهران: نشر نی، چاپ شانزدهم.
- ۲- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و الهه حجازی (۱۳۹۱): **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران: نشر آگه، چاپ بیست و چهارم.
- ۳- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۴): **اقتصاد آموزش و پرورش**، جهاد دانشگاهی اصفهان.
- 4- Adhikari, A., Tondkar, R.H., (1992); "Environmental factors influencing accounting disclosure requirements of global stock exchanges", **Journal of International Financial Management and Accounting**, 4(2): 75-105.
- 5- Alkhtani, S.S., (2010); **The Relevance of International Financial Reporting Standards to Saudi Arabia: Stakeholder Perspectives**, PhD Thesis, Stirling University, Available at <https://dspace.stir.ac.uk/handle/1893/2415>.
- 6- Alsaqqa, I., Sawan, N., (2013); "The advantages and the challenges of adopting IFRS into UAE stock market", **International Journal of Business and Management**, 8(19): 1-23.
- 7- Al-Shammari, A., Brown, P.B., Tarca, A.C., (2008); "An investigation of compliance with international accounting standards by listed companies in The Persian Gulf Co-Operation Council member states bader", **The International Journal of Accounting**, 43:425-447.
- 8- Archambault, J.J., Archambault, M.E., (2009); "An analysis of social factors influencing the adoption of international financial reporting

- standards", **Journal for Global Business Advancement**, 2(1-2): 38-53.
- 9- Baker, C.R., Barbu, E.M., (2007); "Trends in research on international accounting harmonization", **The international Journal of Accounting**, 42(3): 272-304.
- 10- Chadismisa, E.E., (2000); "The relevance and observance of the IASC standards in developing countries and the particular case of Zimbabwe", **The International Journal of Accounting**, 35(2): 267-286.
- 11- Choi, F.D.S., Meek, G.K., (2005); **International Accounting**, 5th ed., Upper Saddle River, New Jersey: Prentice Hall, Pearson Education, Inc.
- 12- Cooke, T., Wallace, O., (1990); "Financial disclosure regulation and its environment: A review and further analysis", **Journal of Accounting and Public Policy**, 9(2): 79-110.
- 13- Dahawy, K., Merino, B.D., Conover, T.L., (2002); "The conflict between IAS closure requirements and the secretive culture in Egypt", **Advances in International Accounting**, 15: 203-228.
- 14- Deloitte Touche Tohmatsu Limited. IAS Plus. Available at <http://WWW.iasplus.com/en/jurisdictions>
- 15- Douplik, T., Saltern, S., (1995); "External environment, culture, and accounting practice: A preliminary test of a general model of international accounting development", **International Journal of Accounting**, 30(3): 189-202.
- 16- Hope, O.K., Jin, J., Kang, T., (2006); "Empirical evidence on jurisdictions that adopt IFRS", **Journal of International Accounting Research**, 5(1): 1-20.
- 17- Lasmin L., (2011); "An institutional perspective on international financial reporting standards adoption in developing countries", **Academy of Accounting and Financial Studies Journal**, 15(2): 61-71.
- 18- Mir, M.Z., Rahaman, A.S., (2005); "The adoption of international accounting standards in Bangladesh: An exploration of rationale and

- process", **Accounting, Auditing, and Accountability Journal**, 18(6):816-841.
- 19- Ramanna, K., Sletten, E., (2009); Why do Countries adopt international financial reporting standards?, Working Paper, Boston: Harvard Business School.
- 20- Sawani, A., (2009); "The changing accounting environment: International accounting standards and US implementation", **Journal of Finance and Accountancy**, 1: 1-9.
- 21- Sharif, H.P., (2010); Factors affecting on the adoption of international financial reporting standards: Iraqi evidence, Master Thesis, Utara Malaysia University, Available at <http://etd.uum.edu.my/2485/>
- 22- Shima, K.M., Yang, D.C., (2012); "Factors affecting the adoption of IFRS", **International Journal of Business**, 17(3): 276-298.
- 23- The IFRS Foundation and the IASB Website. available From <http://WWW.ifrs.org/pages/default.aspx>
- 24- Watty, K., Carlson, P., (1998); "Demand for International Accounting Standards: A customer quality perspective", **Advances in International Accounting**, 11:133-154.
- 25- World Bank (2013); 2013 World Development Indicators, Washington Dc.
- 26- Zahri, F., Chouabi, J., (2013); "Adoption determinants of the International Accounting Standards IAS/IFRS by the developing countries", **Journal of Economics, Finance and Administrative Science**, 18(35): 56-62.
- 27- Zeghal, D., Mhedhbi, K., (2006); "An analysis of the factors affecting the adoption of international accounting standards by developing countries", **The International Journal of Accounting**, 41(4): 373-386.